

آلومینیوم و شانزالبیزه به دلیل ناامن بودن پلمب شدند

ماند ۷۸ هزار و ۹۰۷ ساختمان دیگر



فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

تهران شهری که با جمعیتی بیش از ۱۱ میلیون نفر و تراکم ساخت‌وساز بالا در مسیر توسعه قرار دارد، این روزها زیرسایه بحرانی ناشی از ساختمان‌های نایبم گرفتار آمده است. گزارش‌های رسمی سازمان آتش نشانی تهران نشان می‌دهد تاکنون ۷۸ هزار و ۹۰۹ ساختمان نایبم در پایتخت شناسایی شده‌اند که از این میان ۶۰ ساختمان در وضعیت بحرانی قرار دارند. بخش عمده این بناها شامل واحدهای تجاری، مسکونی قدیمی، مراکز اقامتی، انبارها و چهار بیمارستان است که برخی از آن‌ها همکاری لازم را برای ایمن‌سازی هنوز آغاز نکرده‌اند. این آمار هر چند هشداردهنده است، تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد؛ چراکه ارزیابی فعلی بیشتر بر ایمنی در برابر آتش تمرکز داردو شاخص‌های تاب‌آوری در برابر زلزله و تراکم جمعیتی، هنوز به شکل جدی لحاظ نشده است. تهران همان شهری که روزگاری نماد مدرن‌سازی و شتاب در توسعه شهری معرفی می‌شد، اکنون با واقعیتی مواجه است که چهره پشت رشد ظاهری آن را آشکار می‌کند؛ واقعیتی که در آن برج‌ها، پاساژها و مراکز تجاری در دل کوچه‌ها و خیابان‌هایی قدیمی سسر برآورده‌اند، بی‌آنکه زیرساخت‌های حیاتی یا استانداردهای ایمنی آن‌ها همگام با این رشد تغییر کرده باشد. در ظاهر، ساختمان‌ها هر روز بلندتر، براق‌تر و مدرن‌تر می‌شوند؛ اما پشت این نماهای شیشه‌ای و سنگی، شبکه‌ای از نایبم‌های ساختاری و مدیریتی شکل گرفته که می‌تواند در هر لحظه، فاجعه‌ای شهری بیافریند. در پایتختی که به گفته کارشناسان، روی کمر بند لرزه‌خیز البرز قرار دارد، بحران ایمنی نه یک احتمال دور، بلکه تهدیدی بالفعل است. تهران در سال‌های اخیر شاهد حوادث متعددی بوده که از آتش‌سوزی‌های گسترده در مراکز تجاری گرفته تا فروریزش ساختمان‌ها، همگی یک پیام مشترک داشته‌اند؛ ضعف در نظام نظارتی، نبود سساز وکار الزام‌آور و نادیده گرفتن اصول تاب‌آوری شهری. حتی پس از حادثه پلاسکو که زنگ هشدار ایمنی برای کشور را به صدا درآورد، روند اصلاح ساختاری در حوزه ایمنی ساختمان‌ها کند و پراکنده پیش رفت و هیچ تحول بنیادینی در رویکرد مدیریتی رخ نداد. آمار رسمی سازمان آتش نشانی نشان می‌دهد هزاران ساختمان در رده «پرخطر» یا «میان‌خطر» قرار دارند و بخش زیادی از این بناها در مناطق پرتراکم و تجاری شهر واقع شده‌اند. نکته قابل‌توجه آن است که بسیاری از این ساختمان‌ها، برخلاف تصور عمومی، تنها شامل بناهای قدیمی نیستند، بلکه بخشی از ساختمان‌های نوساز نیز به دلیل بی‌توجهی به اصول ایمنی، مصالح غیراستاندارد یا تغییر کاربری غیرمجاز، در فهرست نایبم‌ها قرار گرفته‌اند. این وضعیت نشانه‌ای است از شکاف میان قانون و عمل؛ جایی که مقررات ایمنی صرفاً در مرحله صدور پروانه رعایت می‌شود و پس از اتمام ساخت، کنترل و نگهداشت ایمنی به فراموشی سپرده می‌شود. از سوی دیگر فشار اقتصادی و افزایش هزینه‌های ایمن‌سازی، سبب شده بسیاری از مالکان، به‌ویژه در بافت‌های فرسوده و بازارهای قدیمی، از اجرای طرح‌های اصلاحی ساز باز زنند. در نتیجه، چهره امروز تهران، آمیزه‌ای از برج‌های مدرن با نماهای درخشان و ساختمان‌های فرسوده‌ای است که در برابر کوچک‌ترین حادثه‌ای آسیب‌پذیریند. کارشناسان حوزه شهرسازی معتقدند تداوم این وضعیت، تهران را به شهری «ظاهراً توسعه‌یافته اما در باطن ناپایدار» تبدیل کرده است. مسئله ایمنی در تهران، دیگر صرفاً دغدغه‌ای فنی برای مهندسان و آتش‌نشانان نیست، بلکه به یکی از چالش‌های اجتماعی و حکمرانی بدل شده است. در شهری با این تراکم جمعیت، فقدان برنامه‌ریزی دقیق برای ایمنی سساختمان‌ها، نه‌تنها امنیت ساکنان، بلکه پایداری اقتصادی و اجتماعی شهر را نیز تهدید می‌کند. در چنین شرایطی هر آتش‌سوزی یا حادثه کوچک می‌تواند به بحرانی گسترده بدل شود؛ چراکه زیرساخت‌های امدادی و مسیریهای دسترسی در بافت‌های تراکم‌پاشخگوی نیاز اضطراری نیستند، نکته نگران‌کننده‌تر اینجاست که نظام هشداردهی و نظارتی موجود نیز توان مقابله با حجم مشکلات را ندارد. بسیاری از ساختمان‌های پرخطر، با وجود دریافت اخطارهای مکرر، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و دستگاه‌های اجرایی، در نبود ابزار قانونی الزام‌آور، نمی‌توانند فعالیت آن‌ها را متوقف کنند. این چرخه معیوب، بحران ایمنی را از سطح فنی فراتر برده و به یک مسئله ساختاری و مدیریت شهری بدل کرده است؛ بحرانی که ریشه در تعارض منافع، ضعف قانون‌گذاری و کمبود هماهنگی میان نهادها

دارد. نمونه‌ای تازه از تلاش برای عبور از این چرخه، اقدام عملی شهرداری در پلمب دو مرکز تجاری شانزالبیزه و آلومینیوم واقع در خیابان جمهوری اسلامی است. مهدی قعی، شهردار منطقه ۱۱ تهران با اشاره به وضعیت ایمنی پاساژهای شانزالبیزه و آلومینیوم اعلام کرده بود: «با توجه به اهمیت ایمنی شهروندان و لزوم رعایت استانداردهای ایمنی در اماکن عمومی و تجاری، پس از چندین مرحله تذکر و عدم همکاری مسئولان دو پاساژ مذکور، ناچار به پلمب آن‌ها شدیم؛ چراکه ایمنی شهروندان اولویت اصلی شهرداری است و هیچ‌گونه اغماضی در برابر تخلفات و خطرات احتمالی پذیرفته نخواهد شد.» این اقدام نشان می‌دهد هشدارهای آماری و مکرر تنها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که با ابزارهای اجرایی واقعی همراه شوند و نمونه‌ای عینی از الزامات رعایت ایمنی در تهران به شمار می‌رود؛ اما در نهایت باید در نظر داشت تهران امروز بیش از هر زمان دیگر، به شفافیت، اراده مدیریتی و رویکردی جامع در ایمن‌سازی نیاز دارد. گزارش‌ها از افزایش تعداد ساختمان‌های نایبم، نه نشانه کشف مشکل، بلکه گواه تداوم بحرانی است که سال‌ها در لایه‌های زیرین شهر جریان داشته است. اگرچه آمار رسمی از ۶۰ ساختمان بحرانی سخن می‌گوید، واقعیت این است در شهری با این حجم از فرسودگی، ترافیک و زیرساخت‌های ناکارآمد، مرز میان «ایمن» و «نایبم» چندان روشن نیست. در چنین وضعیتی، هر حادثه‌ای می‌تواند زنجیره‌ای از بحران‌ها را فعال کند و هر بی‌توجهی در سطح مدیریت شهری، پیامدهایی فراتر از یک منطقه یا محله بر جای گذارد.

قوانین شفاف و الزام‌آور نیست!

یکی از اصلی‌ترین دلایل تداوم بحران، فقدان قوانین شفاف و الزام‌آور است. سخنگوی سازمان آتش نشانی تأکید دارد نبود چهارچوب قانونی کافی و همچنین عدم نظارت مستمر باعث شده ساختمان‌های قدیمی با تغییر کاربری‌های بدون رعایت ایمنی، همچنان در معرض خطر قرار داشته‌باشند، به‌عنوان مثال بازار تهران، با وجود بازدیدهای دوره‌ای و صدور اخطارهای متعدد، هنوز با مشکلات جدی در زمینه سیم‌کشی برق و اقدامات ایمنی مواجه است. علاوه بر اینها بسیاری از پروانه‌های کسب و فعالیت صنفی بدون بازدید از محل و بررسی ایمنی صادر می‌شوند و بازسازی یا اصلاح سیستم‌های ایمنی به‌صورت داوطلبانه یا تحت فشار قانونی انجام نمی‌گیرد. فقدان قوانین الزام‌آور، در کنار عدم آموزش عمومی و اطلاع‌رسانی کافی باعث شده ساکنان و مالکان حتی ساختمان‌های نوساز نیز نسبت به نگهداشت تجهیزات اطفای حریق بی‌توجه باشند.

سرعت اجرای اقدامات ایمنی برای کاهش مخاطرات کافی نیست

سازمان آتش نشانی و شهرداری تهران، با تقسیم ساختمان‌ها به گروه‌های بحرانی، پرخطر، متوسط و کم‌خطر تاش کرده‌اند از طریق نظارت، پیگیری قانونی و همکاری با مالکان، ایمنی را افزایش دهند. شهرداران نواحی موظف شده‌اند سالانه حداقل ۱۰ ساختمان پرخطر را از وضعیت بحرانی خارج کنند، همچنین رؤسای ایستگاه‌ها موظف به شناسایی و گزارش نایبم‌ها هستند. بااین حال بسیاری از طرح‌ها و اقدامات در هر حله اجرایی یا مانع مواجه شده و برخی مالکان همکاری لازم را ندارند. برخی اقدامات شامل نصب سیستم‌های اعلام و اطفای حریق، اصلاح تأسیسات برق، ایمن‌سازی ساختمان‌های بیمارستانی و صنعتی و الزام در یافت تأییدیه ایمنی از سازمان آتش نشانی برای فعالیت صنوف است. با این وجود، سرعت اجرای این اقدامات به‌اندازه‌ای نیست که بتواند خطرات بالقوه ناشی از ساختمان‌های نایبم را به طور کامل کاهش دهد. یکی از نمونه‌های ملموس بحران، ساختمان‌های تجاری مرکز شهر تهران است. بسیاری از مغازه‌ها و پاساژهای قدیمی، با دیوارهای نازک، سیم‌کشی‌های فرسوده و عدم دسترسی مناسب به مسیریهای فرار، ریسک قابل‌توجهی برای آتش‌سوزی و حوادث ناگهانی دارند. بررسی میدانی نشان می‌دهد حتی برخی واحدهای تازه و نوساز، به دلیل تراکم زیاد و استفاده از مصالح غیرمقاوم، در معرض خطر قرار دارند. به گفته کارشناسان «مرکز تهران ترکیبی از ساختمان‌های تاریخی و مدرن است که هر دو نیازمند نظارت جدی و بازنگری در استانداردهای ایمنی هستند.» اما با وجود آگاهی از این مسئله هنوز اقدام قابل‌قبولی صورت نگرفته است.

سیاست زندگی یا زندگی سیاسی؛ مسئله این است

سید مهدی سرخان
مسئول فناوری نوجوان مرکز تحلیل اجتماعی (متا)

به نظر می‌رسد کانون تفاوت‌های نسلی که به تغییرات فرهنگی منجر می‌شود امر «جهان‌وطنی» است. چیزی که نه‌تنها ایران بلکه همه نوجوانان جهان را درگیر کرده است. جهان‌وطنی انسان را به سمت زدوده شدن تمامی مرزهای ذهنی و عینی سوق می‌دهد. انسان جهان‌وطن نه‌تنها دیگر به جغرافیای خاصی تعلق ندارد؛ بلکه مرزهای فکری و ارزشی نیز رفته‌رفته در ذهن او کم‌رنگ شده و به‌مرور به نسبیتی کامل گرفتار خواهد آمد. آنجا که دیگر هر انسان و هر عقیده‌ای را مطلقاً محترم می‌شمارد و تا امری به عقیده و آزادی او خللی وارد نکرده بی تفاوت از کنار آن عبور می‌کند؛ اصالت با من است و آنچه من بخوام و من انتخاب کنم و درعین حال به اصالت دیگران نیز احترام می‌گذارد. فردگرایی نیز مولود بی‌واسطه جهان‌وطنی است؛ منی که سوژه‌ای خودبنیادم و تنها خودم در نقطه کانونی عالم ذهنی‌ام قرار می‌گیرم و به اراده خودم حکمرانی می‌کنم؛ حکمرانی‌ای چنان «پادشاه سیاره کوچک خود» در شاهکار دوست اگروپری در شاهزاده کوچولو.

نوجوان در این وضعیت جهان‌وطنانه، آزادی‌خواهانه و اهمیت یافتن «من»، برای خود زندگی جدیدی خواهد ساخت و همه هم‌وغم و تلاش خود را برای حفاظت و تقویت ارکان آن به کار خواهد گرفت. چیزی موردتوجه اوست که زندگی باب میل او را بهتر یا بدتر کند در غیر این صورت ارزشی برای موردتوجه قرارگرفتن ندارد و صرفاً اتلاف وقت است. حال دیگر تماس او با رسانه‌هایی که حرفی در جغرافیای زیست جهان‌وطنی او ندارند کم و کمتر خواهد شد مگر آنکه با زندگی روزمره او تماس یا متداخل شوند. حتی اتصال او با سیمابست، امری است که بیشتری ارتباط و اتصال را با زندگی شخصی و روزمره او داشته‌باشد و چنین امری است که به‌عنوان اصلی‌ترین ارزش خبری در ذهن ایشان صورت‌بندی می‌شود.

طبق نظرسنجی متااز نوجوانان ۲۵ تا ۲۵ ساله ایرانی در ایام انتخابات ۱۴۰۳، امر سیاسی حداقل برای نیمی از نوجوانان اساساً بلاموضوع است و به آن علاقه‌ای ندارند. عمده این گروه را مخالفان و ناهمراهان ایده اسلام سیاسی تشکیل می‌دهد که در نقطه کانونی نظرشان عقیده دارند باید «پسند و نظر مردم» محور قانون‌گذاری و اداره کشور قرار بگیرد. بدیهی است این گروه امر سیاسی تعریف‌شده در چهارچوب جمهوری اسلامی را نمی‌پسندند؛

۸۲۹ بنادر بازار تهران پرخطرند

بازار تهران به‌عنوان قلب تجارت پایتخت، به‌رغم اهمیت اقتصادی، از نظر ایمنی در شرایط شکننده‌ای قرار دارد. بر اساس داده‌های سازمان آتش نشانی، ۱۱ ساختمان در وضعیت بحرانی، ۸۲۹ مورد پرخطر و ۳۲۰ ساختمان میان‌خطی در این محدوده شناسایی شده‌اند. بسیاری از مالکان و بهره‌برداران هشدارهای مکرر آتش نشانی را نادیده می‌گیرند و طرح‌های ایمنی در پیچ‌وخم اداری متوقف مانده، به‌عنوان نمونه، طرح نصب مخازن آب در پنج نقطه بازار برای مقابله با آتش‌سوزی هیچ‌گاه اجرایی نشد؛ چراکه برخی نهاده‌ها حتی اجازه نصب یک تابلو برای آغاز پروژه را ندادند. وضعیت فیزیکی این ساختمان‌ها نیز چالش‌زاست؛ پشت‌بام‌ها مملو از کپسول‌های گاز و رستوران‌هایی که هزاران لیتر گاز مایع در طبقات بالا ذخیره کرده‌اند، خطر را دوچندان می‌کند. علاوه‌بر آن، سیم‌کشی‌های برق فرسوده و شيروانی‌های قدیمی، ترکیب خطرناکی ایجاد کرده که حتی در غیاب آتش‌سوزی، تهدید بالقوه‌ای برای ساکنان و کسبه به شمار می‌رود.

ساختمان‌های نوساز نیز منبع ریسک هستند

یکی از نکات قابل‌توجه در بررسی ایمنی ساختمان‌ها، ناکافی بودن نوسازی به معنای واقعی است، حتی ساختمان‌های تازه‌ساز ممکن است در محیط‌های پرخطر یا تراکم بالا ساخته شوند و خود به منبع ریسک تبدیل شوند. به گفته کارشناسان، نوسازی صرف، تنها «ظاهر ایمنی» ایجاد می‌کند و بدون رعایت ظرفیت محیطی و الزامات فنی، همچنان خطرات جانی و مالی را افزایش می‌دهد. در سال ۱۳۹۲ صحت‌سوم مقررات ملی ساختمان به‌روزرسانی و درسال۱۳۹۵ ویرایش جدیدی بر مبحث سوم مقررات ملی ساختمان انجام و ساختمان‌هایی که از آن سال به بعد برای آن‌ها پروانه صادر شد، ملزم به رعایت قوانین سخت‌گیرانه‌تری در زمینه مقررات ایمنی شدند. لزوم نصب سیستم اعلام و اطفای حریق، همچنین وجود منبع آب و دله‌کشی برای اطفای حریق برای ساختمان‌های مسکونی ۵ طبقه و بیشتر یکی از قوانین برای مهار خطرات ناشی از آتش‌سوزی هاست. با وجود این، ساختمان‌هایی باعمر بنای بیشتر فاقد این الزاماتند. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد برخی مالکان برای جلوگیری از تهدیدهای ایمنی، تنها به خرید بیمه آتش‌سوزی اکتفا می‌کنند و نسبت به نصب سیستم‌های اعلام و اطفای حریق یا نگهداشت آن‌ها اقدام نمی‌کنند. هزینه نصب سیستم اعلام و اطفای حریق برای یک ساختمان ۷ طبقه با مساحت حدود ۲۰۰۰ متر مربع، نزدیک به یک میلیارد تومان برآورد می‌شود. این رقم، در مقایسه با هزینه‌های احتمالی ناشی از حوادث، قابل‌توجه نیست؛ بااین حال، ساختمان‌های قدیمی که قبل از سال۱۳۹۵ ساخته شده‌اند، برای اجرای الزامات قانونی با مشکلات مالی و اجرایی مواجهند.

بیمارستان‌ها در اولویت ایمن‌سازی

مراکز درماني، به‌عنوان مراکزى حیاتی در مواقع بحران در شرایط ویژه‌ای قرار دارند. در حال حاضر تنها چهار بیمارستان شامل سینا، امام خمینی (ره)، شهدای یافت‌آباد و رسول اکرم(ص) در فهرست ساختمان‌های نایبم باقی مانده‌اند و اقدامات ایمن‌سازی برای آن‌ها آغاز شده است. بخشی از این مراکز مراحل بازسازی و اصلاح تأسیسات را به پایان رسانده‌اند و برخی دیگر در حال تکمیلند. به گفته رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران «سازمان آتش نشانی تهران با برگزاری جلسات منظم کارشناسی و ابلاغ دستورالعمل‌های ایمنی، برروند اجرای اقدامات نظارت‌دارد و ایمن‌سازی مراکز درمانی از اولویت‌های اصلی این سازمان است.» اما با در نظرگرفتن تراکم جمعیتی و حوادث مکرر در شهر تهران، حتی یک بیمارستان نایبم نیز می‌تواند نگران‌کننده باشد.

مشارکت مردم ضروری است

اقتصاد شهر و ارزش دارایی‌ها نیز از پیامدهای مستقیم ساختمان‌های نایبم متأثر می‌شود. ساختمان‌هایی که فاقد استاندارد ایمنی هستند، با کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش بیمه‌پذیری محدود، از ارزش اقتصادی قابل‌توجهی برخوردار نیستند. از سوی دیگر هزینه‌های ناشی از تخریب، آتش‌سوزی و خسارت‌های انسانی هم برای دولت و هم برای جامعه، چندین برابر سسر مایه‌گذاری اولیه در ایمن‌سازی است. کارشناسان هشدار می‌دهند هر تأخیر در اجرای برنامه‌های ایمن‌سازی، هزینه‌های انسانی و مالی را چندبرابر خواهد کرد. همچنین تحلیلگران حوزه

(Pew Research Center, ۲۰۲۰).

در نتیجه، اگر از تعبیر «بی‌علاقگی به امر سیاسی» استفاده و به این نسل نسبت‌داده می‌شود، به این جهت است که این نسل مؤلفه‌های اساسی ایمنی بودن کمتری از خود نشان می‌دهد. اما باید تأکید کرد نسبت بی‌علاقگی سیاسی به‌منظور نفی مطلق نگاه سیاسی آنان نیست. شاید تعبیر بهتر آن باشد که نوجوانان مشابه بزرگسالان به سیاست نمی‌نگردند و معنای سیاست در ذهن بزرگسالان و آنان اشتراک لفظی است. نوجوانان معنای دیگری از سیاست را قصد کرده‌اند که صا در آن معنا نسلی بسیار سیاسی باشند.

گذشته از عدم پیگیری اخبار و بی‌اعتمادی به مراجع خبری و عدم مشارکت سیاسی که داده‌ها مؤید آن است، مطالعات کیفی نشان می‌دهد «هدف داشتن» جنگندگی در راه هدف، تحقق اهداف و موفقیت در راه آن، «کسب‌وکار راه‌انداختن» و «پول درآوردن» یک مفهوم پرسامد و پرتکرار در بیان نوجوانان است. رشد خریدوفروش کتاب‌های خودیاری و کلاس‌های موفقیت و توسعه فردی و انگیزشی و دوره‌های مهارت‌آموزی و کسب‌وکار نیز که در فضای مجازی به‌شدت عیان است شاهد عینی این مدعا است. پس آنچه همواره در صدر اولویت‌ها و دغدغه‌های ذهنی این نسل می‌نشیند، اموری گروه‌ورده با بهبود وضعیت زندگی بهتر و رفاه بیشتر، تحصیل با کیفیت‌تر، آینده شغلی و درآمد بیشتر است. گیدنز این نگاه به زندگی را نگاهی سیاسی معرفی می‌کند.

آن‌طور که گیدنز نیز بیان می‌کند، تغییرات اجتماعی جهان حاکی از تغییرات کیفی بنیادین در ارزش‌های سیاسی است. او بر این باور است که در این دوران، بیش از آنکه به «سیاست‌رهای‌بخش» دل‌بستگی وجود داشته‌باشد، «سیاست‌زندگی» مورد توجه است. سیاست‌رهای‌بخش، دربرگیرنده مبارزه برای آزادی و بهبود فرصت‌های زندگی برای همگان است. درحالی‌که سیاست‌زندگی، سیاست خویشن‌یابی در محیط زندگی و نسبت‌یابی همگان و با من و زندگی من است. این‌گونه سیاست برآمده از «فردگرایی» است که مولود بی‌واسطه «جهان‌وطنی» است. وقتی «من» اهمیت یافت، دیگر تمام تلاش‌های من نیز در جهت تحقق دلخواه من سامان خواهد یافت. حتی اگر همگان بر ارزشی توافق داشته باشند و خواهان آن باشند، «تلاش من» برای تحقق آن ارزش در زندگی خویش است نه تلاشی برای تحقق یک ارزش برای همگان. با این حساب، نه اینکه نوجوانان به سیاست

مدیریت بحران معتقدند تاب‌آوری شهری تنها با اقدامات فنی و مهندسی حاصل نمی‌شود؛ مشارکت واقعی مردم، درک اجتماعی از خطر و همکاری نهادهای ذی‌ربط، لازمه کاهش آسیب‌پذیری است. در واقع بدون تغییر نگرش عمومی نسبت به اهمیت ایمنی، اقدامات سازمانی و قانونی، حتی اگر کامل اجرا شوند، اثرگذاری بلندمدت نخواهند داشت. تهران شهری که هم در معرض آتش و هم زلزله است، برای کاهش خطر، نیازمند گفت‌وگوی مستمر میان مردم، مدیریت شهری و نهادهای تخصصی است. البته بحران ایمنی ساختمان‌ها تنها مسئله فنی و اقتصادی نیست؛ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن نیز گسترده است. فقدان فرهنگ ایمنی، نادیده گرفتن هشدارها و اعتماد به شانس باعث می‌شود شهروندان به شکل مستقیم در معرض خطر قرار گیرند. علاوه‌بر آن، بسیاری از واحدهای مسکونی در محله‌های قدیمی به دلیل تراکم بالای جمعیت، دسترسی محدود به خیابان‌های فرار و کمبود منابع، به یک «قلمرو پرخطر» تبدیل شده‌اند. آموزش عمومی و اطلاع‌رسانی مستمر، از ابزارهای اصلی کاهش آسیب‌پذیری است. کارشناسان معتقدند بدون ایجاد حساسیت اجتماعی نسبت به خطرات و الزامات ایمنی، اقدامات فنی و قانونی به‌تنهایی کافی نخواهد بود. در واقع، مشارکت مردم، کلید تاب‌آوری شهری است و می‌تواند سرعت واکنش و مدیریت بحران را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

تهران، در انتظار هماهنگی نهادهای تخصصی

با وجود همه مشکلات، تجربه برخی ساختمان‌ها و مراکز درماني نشان می‌دهد اجرای اصول ایمنی و تاب‌آوری شهری قابل‌دسترسی است. نمونه‌هایی که به‌صورت جامع سیستم‌های اعلام و اطفای حریق، مسیریهای فرار و آموزش پرسنل را اجرا کرده‌اند، نه‌تنها خطر حوادث را کاهش داده‌اند، بلکه اعتماد عمومی به مدیریت شهری را نیز افزایش داده‌اند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد هماهنگی میان نهادهای تخصصی، الزام قانونی، همکاری مردم و سرمایه‌گذاری هدفمند، کلید موفقیت در ایجاد شهری تاب‌آور است. تهران با توجه به خطرات زلزله و تراکم جمعیتی بالا، نیازمند بهره‌گیری از این تجربه‌ها در مقیاس وسیع‌تر است. در نهایت، تهران نیازمند برنامه‌ای یکپارچه و عملیاتی است که جنبه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و قانونی بحران را هم‌زمان پوشش دهد. این برنامه باید شامل نظارت مستمر، آموزش عمومی، الزام قانونی و مشارکت فعال مردم باشد تا از وقوع فاجعه احتمالی جلوگیری شود. در غیر این صورت، بحران ساختمان‌های نایبم، نه یک هشدار، بلکه یک واقعیت تلخ در انتظار پایتخت خواهد بود.



علاقه‌ای ندارند، بلکه به سیاستی که نسل پیشین صورت‌بندی می‌کند علاقه‌ای نداشته‌و به سیاست تعریف‌شده در منطق فکری خویش، بسا نسلی فوق‌العاده سیاسی است.

به این خاطر است که اولویت‌های اصلی نوجوانان که ذهن و دل آنان را مشغول خود ساخته، حتی برای آنان که با منطق اسلام سیاسی به امر سیاسی علاقه‌مندند، مقوله‌ها و مسائلی از جنس زندگی خوب برای من و تحقق آرزوهای من و واقعیت یافتن رویاهای من هستند. این امور رفته‌رفته و مداوم امر سیاسی در نگاه نسل جدید را در نسبت با زندگی تقویت و تثبیت می‌کند و اگر جایی نیز وجود داشته باشد که با سیاست به معنای مرسوم نسل پیش درگیر شوند، جایی است که با زندگی روزمره آنان گره می‌خورد. بخش قابل‌توجهی از نوجوانان با سیاست‌های رسمی به‌ویژه آن سیاست‌ها و قوانینی که مشکلات زی‌سادی با زندگی روزمره آنها برقرار می‌کنند مثل فیلتر ینگ، همدل و همراه نیستند، بلکه به مقاومت و ایستادگی و حتی مخالفت و اعتراض برمی‌خیزند.

این ویژگی نسلی بیش از همه ریشه در «جهان رسانه‌ای شده» و خصلت «جهان‌وطنی» این نسل است که عمده نوجوانان و هر دو گروه علاقه‌مند و بی‌علاقه را در بر می‌گیرد و طبیعتاً این تمسفر، فضای سیاسی اختصاصی خود را طلب می‌کند. از گفتارهای سیاسی تا شخصیت‌های سیاسی، همه‌وهمه باید مبتنی بر این خصلت جدید نظم نوین پیدا کند. تحقق این نظم نوین به معنای تغییر در نظام ارزش‌های فرهنگی اصیل ایرانی و اسلامی نبوده و نیست؛ بلکه به معنای هماهنگی و تناسب‌کنش و گشتنام سیاسی جریان‌های سیاسی کشور با جهان معنایی این نسل است. برای رسیدگی به این مهم، امروز هم تأخیر قابل‌توجه وجود دارد و لازم است دستگاه‌های ذی‌ربط با نگاه فراگاهی دور هم مجتمع شده و با فرماندهی و ناوبری مرکزی، این معضل را از طریق تعریف نقش برای دستگاه‌های مسئول و ارزیابی نوبه‌ای و مداوم مرتفع کنند و حل این مسئله را به روزهای بعدتر و بدتر و وضعیت سخت‌تر محول نکنند.

پی‌نوشت:

جلسات متعدد گروه متمرکز مرکز تحلیل اجتماعی (متا) در سال‌های

۱۴۰۱ و ۱۴۰۴